

سهم کودکان از جهان منمدن

افسانه وحدت

16-11-2010

در دنیایی به سر می بریم که با پیشرفت تکنیک، بشر توانسته به دنبال زندگی در کرات دیگر باشد، توانسته ژن های یک انسان را تغییر و دوباره سازی کند، آنزیم های بدن را فعال کند یا از فعالیت باز دارد، با فشار یک دکمه حجم زیادی از اطلاعات را در یک لحظه به تمام دنیا بفرستد. تقریباً همه بیماری ها را معالجه کند. رت هایی بسازد که یک میلیون بار از مغز انسان سریع تر باشد. به این چند مثال اکتفا می کنم لیست بلند بالاست.

پیشرفتهای حیرت انگیز و غرور آفرین بشر میبایست آرمانهای دیرینه بشریت یعنی صلح، رفاه، عدالت، خرد و انسانیت را تحقق بخشد. بشر با اتکا به دانایی هایش میبایست انسانی تر زندگی می کرد. کودکان میبایست به عنوان آینده سازان و با ارزش ترین موجودات از حرمت و ارزش والایی برخوردار میبودند. جنگ باید افسانه تاریخ میشد. مذهب میبایست بساطش را از جامعه جمع می کرد. گرسنگی و فقر می با یست به تاریخ می پیوست. ولی از آنجا که حاصل پیشرفت عظیم و غول آسای تکنیک به دلیل سیستم نا عادلانه حاکم بر دنیا، در انحصار بخش کوچکی است، زندگی افسانه ای برای تعداد اندکی فراهم کرده و در بخش هایی میلیونها کودک، زن و مرد مثل گله های حیوانی در هم میلولند تا از گرسنگی و بیماری بمیرند. در بخشی یک شخص مالک میلیاردها دلار است و در جای دیگر میلیونها نفر مثل انسانهای اولیه که از صبح تا شب فقط در فکر سیر کردن شکمشان بودند زندگی میکنند و با کمتر از ۱ دلار در روز سر میکنند. مدنیته وجود ندارد. بیسوادی، فئاتیسم، تروریسم، اشاعه خرافات و سو استفاده مذهب زندگی میلیاردها انسان را فلج کرده. در بخشی انسانها از حرمت بالایی برخوردارند و در بخش های فقیر مانده، گروه های وحشی اسلام سیاسی نظیر طالبان و حماس دهه هاست که حرمت و منزلت انسانها را هم کاملاً از بین برده اند. به جان مردم افتاده اند و صدها هزار را فجیعانه به بهانه های مختلف به قتل میرسانند. در بخشی قرن ۲۱ است و در جای دیگر قرون وسطی.

چهره کره کاپیتالایسم هار آمریکا، ناتوو اسلام سیاسی، که میلیونها کودک زیر دست و پایشان له میشوند و یا به بازار بیرحم کار کشیده میشوند یا از گرسنگی میمیرند بر کسی پوشیده نیست. صحنه های فجیع و تکان دهنده کودکان گرسنه در آفریقا، اسکلت های متحرکی که در انتظار مرگ هستند را کمتر کسی است که ندیده باشد. کودکانی که ارزششان از یک حیوان مرده هم کمتر است. این کودکان، این خیل عظیم مردم گرسنه که از این خوان یغما هیچ بهره ای ندارند، تکلیفشان چیست؟ کیست که واکنش نشان میدهد؟ مدعیان حقوق بشر از قبیل سازمان ملل، یونیسف و بقیه اعوان و انصارشان کجا هستند؟ به غیر از این است که تحمل میکنند و نادیده میگیرند.

در همین جهان پیشرفته در هر دم و بازدم ما یک کودک جاننش را از دست میدهد. کشورهای به اصطلاح ثروتمند در سال ۲۰۰۰ در نمایشی انسان دوستانه متعهد شدند که با امدادهای خیریه ای گرسنگی را تا سال ۲۰۱۵ به نصف کاهش دهند. ولی تعداد گرسنگان در جهان در ۲ دهه اخیر هر ساله افزوده شده و به بالاترین مقدارش در طول تاریخ بشر رسیده یعنی ۱،۲ میلیارد. فقط در یک سال گذشته ۱۰۰ میلیون به این تعداد اضافه شده است. یعنی بیش از یک میلیارد کودک، زن و مرد شب را با شکم گرسنه صبح میکنند و مرگ را انتظار میکشند. طبق آمار سازمان ملل ، ۳۰۰۰۰ انسان هر روز از گرسنگی در جهان میمیرند. انسان هایی که هر کدام یک نام دارند، احساس دارند. آرزو دارند. دوست دارند سرپناه داشته باشند، رفاه و سعادت و آرامش داشته باشند. دوست دارند فرزندانشان به مدرسه بروند، و دو وعده غذای گرم داشته باشند، کودکی کنند و مثل ۱۰ درصدی زندگی کنند که همه امکانات کره زمین را در دست دارند و در لوکس، ثروت و نعمت غرق هستند و ۹۰ درصد مردم دنیا را به انجا مختلف استثمار میکنند.

سازمان ملل بزرگترین مدعی حقوق بشر هم که چند دهه است کارش در حد امداد رسانی و خیرات به گرسنگان بوده و بوق و کرنا و تبلیغات دفاع از حقوق بشرش گوش فلک را کر کرده، نه تنها در این مدت تغییری در زندگی گرسنگان نداده، بلکه در سال گذشته اعلام کرد که میزان کمک های غذائی به آنها را کاهش خواهند داد چون ذخایرشان در حال اتمام است. برای فهمیدن اینکه نهادهای خیریه حقوق بشری مثل سازمان ملل و نجات کودکان و سازمان کودکان دنیا و امثال اینها با امداد رسانی های اندکشان دردی از فقر و گرسنگی و قتل هر لحظه کودکان دنیا دوا نخواهند کرد، هوش

سرشاری لازم نیست. با بکار گذاشتن یک شیر آب در دهی در آفریقا برای حل مشکل بی آبی، بر پا کردن چند چادر در چند کشور آفریقایی به اسم مدرسه و کلاس درس و یا تقسیم کردن گله گاهی کیسه برنج و آرد در میان گرسنگان، مشکل گرسنگی و فلاکت در دنیا حل نمیشود. با خیرات نمیشود به جنگ بی حقوقی میلیونها کودک رفت. نمیشود به جنگ سیستمی رفت که جهان را به این فلاکت انداخته است. سیستمی که بر اساس سود و استثمار بنا شود، تغییر بنیادی میطلبد.

فقر و سیاه روزی صدها میلیون مردم، لکه ننگیست بر پیشانی سیستم حاکم بر دنیا. افزایش هر ساله صدها هزار فقیر به صف مردم گرسنه ادامه خواهد یافت. ظرفیت ضد انسانی کاپیتالیسم برای حفظ بقا خود بطور حیرت انگیزی بالاست. صرف تمامی امکانات کره خاکی و صرف میلیاردها دلار که میتواند در خدمت سازندگی و رفاه بشریت باشد، میتواند خوشبختی تمامی کودکان دنیا را تامین کند، بمبهای مجهز به مدرنترین رادارها و ریت ها میشود و بر سر کودکان غزه میریزد. کودکان دارفور را به خاک و خون میکشد. به جان کودکان در عراق و افغانستان میافتد و انسانیت را به خاک و خون میکشد. اکثریت مردم دنیا از وضعیت سیاه و نگون بختی کودکان دنیا نگرانند. از قتل هر لحظه کودکان گرسنه متنفرند. از صحنه‌های به خاک و خون کشیدن کودکان غزه قلبشان به درد میآید. از له شدن پی در پی انسانها زیر دست و پای تروریست‌های حاکم بر دنیا به تنگ آمده اند. اضافه شدن فقط ۱۰۰ میلیون به تعداد گرسنگان دنیا در یکسال گذشته باید زنگ خطری باشد برای بشریت متمدن. تا کی باید نظاره گر بود و دم نزد؟ آیا نباید این سیستم را زیر و رو کرد؟ آیا نباید از اساس ویرانش کرد؟ چرا درست در زمانی که تمامی شرایط مادی و اقتصادی فراهم است، دانشش وجود دارد، تکنیکش موجود است که تمامی مردم جهان در رفاه و آسایش زندگی کنند، سیستمی غیر انسانی و عده‌ای سود طلب و مفت خور بربریتی اینچینی بوجود بیاورند؟ تنها راه‌هایی از این فلاکت و دوران تاریک به میدان آمدن نیروی عظیم انسانهای صلح طلب، آزادیخواه، برابری طلب و انسان دوست است. باید صف متحد اردوگاه انسانیت تشکیل شود تا بشود جلوی این نیروی مخرب و هولناک ایستاد و انسانیت و حرمت انسانی را نجات داد. راه دیگری وجود ندارد.

قرن ۲۱ و پیشرفت غیر قابل وصف تکنولوژی باید در خدمت بشریت قرار گیرد تا بتواند گرسنگی را ریشه کن کند. فقر و بیماری را پایان دهد، پایانی باشد برای جنگ، نفرت قومی و سوء استفاده صنعت مذهب. و زندگی شاد ایمن و مرفه برای تمامی انسانها همراه داشته باشد.